

مقایسه کوتاه بین تورکی و فارسی

ویژگی های زبان تورکی و مقایسه کوتاه بین تورکی و فارسی

خلاصه شده از رساله مقایسه اللغتين

تالیف دکتر جواد هینت

متأسفانه در دوران پهلوی، به پیروی از افکار ملی گرایانه افراطی و شوونیستی بیش از نیم قرن در این باب سیاست جبر و تحمیل اعمال شد و از چاپ و انتشار هر گونه کتاب تورکی جلوگیری به عمل آمد و زبان فارسی هم بصورت زبان انحصاری دولتی و تحمیلی در آمد! در نتیجه این سوء تدبیر و انحصار طلبی و سیاست زور گویی، زبانهای غیر فارسی مردم ایران، بویژه تورکی رسماً "ممنوع شد" البته اینگونه رویه و اعمال غیر انسانی و ضد مردمی بدون واکنش نماند و در مردمی که زبانشان ممنوع اعلام شده بود عکس العمل هایی نا مطبوع و گاهی کینه و نفرت برانگیخت و خواه و نا خواه از شیرینی لهجه فارسی هم در مذاق آنها کاسته شد!؟

بعد از سقوط رژیم پهلوی و رفع ممنوعیت دولتی در مدت کوتاهی کتاب و مجله و روزنامه به زبان تورکی چاپ و منتشر شد و دیوانهای شعری تورکی گو قدیم و جدید تجدید چاپ گردید و زبان تورکی مجدداً "ولو بطور نسبی فرصت و میدان هنرنمایی یافت

در حال حاضر 25 لهجه یا زبان تورکی در مناطق مختلف شوروی سابق، ترکستان شرقی (چین)، ترکیه و بالکان زبان رسمی مردم است و در حدود 20 لهجه یا زبان تورکی دارای کتابت و ادبیات کتبی است

ادبیات شفاهی تورک ها بسیار غنی است و در هر منطقه ضمن ویژگی های عمومی و قدیمی خصوصیات محلی را نیز در بردارد ادبیات شفاهی تورک زبانان ایران شاید غنی ترین و یا یکی از غنی ترین آنها در نوع خود میباشد

کتاب ده ده قورقود که داستانهای اقوام اوغوز را بازگو میکند، یکی از قدیمی ترین آثار ادبیات شفاهی است و بطوریکه اغلب دانشمندان معتقدند، همچنانکه از متن کتاب هم بر می آید مهمترین وقایع تاریخی این داستانها در آذربایجان و در قسمت شرقی آناتولی رخ داده و در آن از قهرمانی ها و ویژگی های قومی و قبیله ای مردم این سرزمین سخن رفته است

طبق آمارهای اخیر در دنیا شش هزار زبان موجود است که نیمی از آنها کمتر از ده هزار و یک چهارم آنها کمتر از یک هزار گویشور دارند و تنها 20 زبان هستند که صدها میلیون نفر بدانها سخن می گویند زبان شناسان معتقدند که یک زبان به شرطی می تواند زنده بماند که حداقل یک صد هزار نفر گویشور داشته باشد بنابراین بیش از نیمی از زبانهای حاضر در حال نابودی هستند

اینترنت، حکومتهای ملی در گزینش و تحکیم زبانهای ملی و تضعیف دیگر زبانها نقش مهمی دارند پیشرفت علمی و صنعتی شدن و روشهای ارتباطی نوین نیز به نابودی زبانها کمک می کند زبانی که در اینترنت نباشد زبانی است که در دنیای نوین "دیگر وجود ندارد"، این زبان مورد استفاده قرار نمی گیرد و در تجارت هم بکار نمی رود

در حال حاضر هر سال ده زبان از بین می رود، افق آینده نیز تیره تر به نظر میرسد برخی چنین پیش بینی کرده اند که 50 تا 90 درصد زبانهای فعلی در این قرن از بین می روند و بدین سبب حفظ آنها امری ضروری به شمار میرود

مسئله زبان در قرن 21 ام دو سنوال را مطرح میسازد از یکسو زبانهای ملی یا پر گویشور چگونه در برابر پیشتازی زبان انگلیسی مقابله کنند؟ از سوی دیگر، زبانهای فرعی یا محلی چگونه می توانند از خطر نابودی نجات یابند و در جهت توسعه پیش بروند؟

برای حمایت از زبانهای محلی و جلوگیری از نابودی آنها در 10-12 سال اخیر مقامات بین المللی تصمیماتی اتخاذ و قطعنامه هایی صادر کرده اند از جمله:

در 18 دسامبر 1992 مجمع عمومی سازمان بین الملل متحد بیانیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های قومی یا ملی، مذهبی و زبانی را به تصویب رساند این بیانیه کشورها را موظف کرد تا از موجودیت و هویت اقلیتها در داخل مرزهایشان حمایت کنند از میان حقوق پیش بینی شده برای اشخاص متعلق به اقلیتها عبارتند از: حقوق برخورداری از فرهنگ خاص خودشان / حق استفاده از زبانشان / اجازه شرکت مؤثر در فعالیت های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی عمومی و نیز در تصمیم گیریهای مربوط به اقلیتی که به آن متعلق هستند / اجازه تاسیس و اداره موسسات مربوط به خودشان، حق ایجاد ارتباط صلح جویانه و خالی از تبعیض

با اعضای گروه خودشان یا دیگر اتباع کشورهای دیگری که با آنها پیوندهای مشترک قومی، مذهبی و زبانی دارند این نخستین سند قابل قبول جهانی و جامع مربوط به حقوق اشخاص وابسته به اقلیتهاست و از همین رو بر نحوه اجرا و تصویب قوانین ملی کشورها تأثیر خواهد گذاشت

شبهات و خویشاوندی زبانه‌ها از دو نظر بررسی میشود:

1- منشأ زبانه‌ها

2- ساختمان و شکل خارجی زبانه‌ها (مورفولوژی)

زبان تورکی از نظر منشأ جزو زبانه‌های اورال-آلتای و یا به بیان صحیحتر، از گروه زبان‌های آلتانی است

زبانه‌های اورال-آلتای به مجموعه زبانهایی گفته میشود که مردمان متکلم به آن زبانه‌ها از منطقه بین کوه‌های اورال-آلتای (در شمال ترکستان) برخاسته و هر گروه در زمانهای مختلف به نقاط مختلف مهاجرت نموده اند

این گروه زبانه‌ها شامل زبانه‌های فنلاند، مجارستان (اورالیک) و زبانه‌های تورکی، مغولی، منچو و تونقوز (زبانه‌های آلتانیک) میباشد

از نظر ساختمان و مورفولوژی زبانه‌ها به سه دسته تقسیم میشوند:

1- زبانه‌های تک هجانی و یاتجریدی: مانند زبان چین جنوب شرقی آسیا در این زبانه‌ها کلمات صرف نمی‌شوند و پسوند و پیشوند نمی‌گیرند و تغییر نمی‌کنند گرامر منحصر به نحو و ترکیب و ترتیب کلمات است که معانی کلمات را تغییر میدهد در این زبانه‌ها آکان یا استرس (تاکید یا وورغو)، تن صدا و انتو ناسیون یا آهنگ ادای کلمات و جمله بسیار مهم است و معنا را مشخص میکند در زبان چین تعداد کمی از واژه‌ها تک هجایی هستند

2- زبانه‌های تحلیلی یا صرفی: در این زبانه‌ها ریشه کلمات هم ضمن صرف تغییر می‌نماید مانند: گفتن - می‌گویم زبانه‌های هند و اروپایی و از آن جمله زبان فارسی جزو این گروه می‌باشند

3- زبانه‌های التصاقی یا پسوندی: در این زبانه‌ها کلمات جدید و صرف افعال از چسباندن پسوندهای مخصوص به ریشه کلمات ایجاد میشود و این مسئله سبب پیدایش لغات جدید و غنای لغوی می‌گردد در این زبانه‌ها ریشه ثابت و در موقع صرف تغییر نمی‌یابد پسوندها تابه آهنگ ریشه بوده و به آسانی از آنها قابل تشخیص اند زبان تورکی و گروه زبانه‌های اورال-آلتانی جزو این دسته می‌باشند

در زبانه‌های هند و اروپایی از جمله فارسی پیشوندهای جر (ادات) یا حروف اضافه وجود دارد در صورتی که در تورکی پیشوند وجود ندارد مثلاً در برابر کلمه ی انترناسیونال (فرانسه) و بین الملل (عربی)، در تورکی میلتلر آراسی و یا اولوسلار آراسی گفته میشود یعنی به جای پیشوند، پسوند بکار میرود، چون در تورکی کلمات از آخر تکامل و توسعه پیدا می‌کنند

در زبانه‌های هند و اروپایی عنصر اصلی (مبتدا و خبر) در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربطیه شکل حلقه‌های زنجر به یکدیگر مربوط میشوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص نمی‌شود ولی در تورکی ترتیب عناصر کاملاً بر عکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود، عنصر اصلی، یا فعل هم در آخر قرار می‌گیرد مثال در فارسی = من به شیراز رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است

حال همین مثال در تورکی = آلتی ایل صب اوخویاندان سونرا فرانسادان یننی قاییدان دوستومو گوروک اوچون شیرازا گنتدیم

جی، ال، لویس در دستور خود اجزای جمله تورکی را به ترتیب زیر می‌شمارد

1- فاعل 2- قید زمان 3- قید مکان 4- مفعول غیر صریح 5- مفعول صریح 6- قید و هر کلمه ای که معنی فعل را تغییر دهد 7- فعل

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم میشود مثال جمله مرتب تورکی چنین است:

نقاش گنچن گون موزده گلن لره تابلولارینی اوزو گؤستردی یعنی نقاش روز گذشته در موزه تابلوهای خود را به تماشاچیان خودش نشان داد

بعلاوه هر عنصری از جمله که به آن بیشتر اهمیت داده شود نزدیک فعل قرار می گیرد

در صورتی که جمله با فعل ختم نشود جمله معکوس گفته میشود که در محاوره، شعر و سبکهای خاص به کار میرود

هماهنگی اصوات: یکی از بارزترین ویژگی های تورکی هماهنگی اصوات استاصوات یا آواها در زبان به عنوان عناصر بسیط تشکیل دهنده کلمات دارای نقش اساسی هستند در زبان تورکی بین اصوات مختلف ریشه و پسوند هماهنگی موجود است

هماهنگی اصوات سبب میشود که کلمات تورکی دارای آهنگ خاص بوده و تلفظ صحیح آنها اثر مطبوعی در شنونده ایجاد نماید

حروف یا صداهاى رایج تورکی 32 عددند که از آنها 9 صانت و بقیه صامت هستند

در تورکی بر خلاف فارسی و عربی صدا دارها کوتاه اند و به همین علت شعرای تورکی گو در شعر عروضی به اجبار از کلمات فارسی یا عربی استفاده کرده و یا بعضی اوقات صداها را کشیده تلفظ می کنندوزن عروضی بر خلاف وزن هجایی برای شعر تورکی مناسب نبوده و در شعر معاصر جای سابق خود را از دست داده استشعر تورکی قبل از پذیرفتن اسلام با وزن هجایی سروده شده و “قوشوق” یا “قوشقی” نامیده میشدبعد از آنکه بر اثر مهاجرتها تورکان به اعراب و فارسی زبانان نزدیک شدند وزن عروضی آن را از آن اقتباس و به مرور وزن کلاسیک شعر تورکی قرار دادندبا وجود این شعرای خلقی (اوزانها و عاشیقها) اشعار خود(بایاتی، قوشما و...) را با وزن هجانی سروده اند

در بررسی مقایسه ای زبانها از چهار نقطه نظر تحقیق میشود

1- از نظر جمله بندی یا نحو

2- از نظر مورفولوژی یا شکل خارجی و پسوندها

3- از نظر آوایی یا فونتیک(صداها)

اینک درباره لغات و مخصوصاً افعال تورکی در مقایسه با لغات و افعال فارسی توضیحاتی داده میشود

در این باب امیر علیشیر نوانی در حدود 500 سال قبل در کتاب محاکمة اللغتين بحث قابل توجهی نموده و بعنوان مثال یکصد لغت تورکی را که معادل آنها در فارسی نیست مطرح نموده است، همچنین تعداد زیادی از افعال تورکی را که فارسی ندارد برشمرده است

نوانی می گوید معادل این کلمات که صد تای آن بعنوان نمونه ذکر شد در فارسی وجود ندارد، بنابراین اگر بخواهیم معانی این کلمات را به فارسی زبانها بفهمانیم ناچار باید به کمک جمله هایی با کمک گرفتن از کلمات عربی متوسل شویم

لغاتی را که نوانی در کتاب خود بعنوان مثال بکار برده کلمات تورکی جغتانی است و اغلب برای تورک زبانان ایران نا آشناست از اینجهت در این رساله به جای آنها لغات مشابه تورکی آذربایجانی بکار برده شده است

در این رساله در حدود 1700 کلمه تورکی آذربایجانی درج شده که در فارسی کلمه مستقلی برای آنها بکار نمی رود ضمناً بعنوان نمونه در حدود 350 کلمه تورکی نقل شده که عیناً در فارسی بکار میرود مانند: آقا، خانم، سراغ، اوغور، قاب، قاشق، قابلمه، دولمه، بیرق، سنجاق و امثال آنها

در مقایسه دیکسیونرهای تورکی آذربایجانی تورکی ترکیه مشاهده میشود لغاتی که معادلشان در فارسی موجود نیست در دو لهجه تورکی یکی نبوده و در بیش از 30% لغات با هم متفاوتنداز طرفی از هر ریشه لغتی 1- 4 کلمه ذکر شده، در صورتیکه در تورکی از یک ریشه تعداد زیادی کلمات ساخته میشود و هر کدام معنی بخصوصی دارندضمناً باید خلط نشان نمود که در حال حاضر 28 زبان یا لهجه مستقل تورکی وجود دارد که 20 لهجه آن دارای کتابت و ادبیات میباشند و هر کدام دارای لغات مترادف بیش از یک هزار لغت تورکی آذربایجانی می باشندبا این ترتیب معلوم میشود که هزاران کلمه در تورکی موجود است که معادل آنها در زبان فارسی موجود نیست

در زبان تورکی کلماتی با اختلاف جزئی(نوانس) در معانی موجود است که در فارسی نیستمثلاً “برای انواع دردها کلمات:

آغری/ آجی/ سیزی/ یانقی/ زوققو/ سانجی/ گۆینه مک/ گیزیله مک اینجیمک، بکار می رود که هر کدام درد بخصوص را بیان می کنند

آغری معادل درد فارسی است(درد عضوی)

سانجی به درد کولیک احشاء تو خالی گفته میشود مانند قولنج روده،

آجی به درد پرووکه گفته میشود مانند درد در موقع کشیدن دندان

سیزی به درد خفیف سوزش دار گفته میشود

یانقی معادل سوزش میباشد

زوققو درد همراه ضربان است مانند درد آبسه و درد عقربک انگشتان و امثال آنها

گۆینه مک شبیه سوختن است و در دقایق اول سوختگی دیده میشود

اینجیمک در در موقع پیچ خوردگی مفاصل و یا درد حاصل از ضربه و سقوط میباشد

گیزیله مک درد شبیه گزگز کردن دردناک می باشد

در فارسی برای تمام حالات فوق لغت درد و یا سوزش بکار می رود

در تورکی به گریه کردن آغلاماق گفته میشودولی این کلمه مترادفهای زیادی دارد که هر کدام حالات مختلف گریه را بیان می کند

مثلا:

آغلامیسماق یعنی بغض کردن و به حالت گریه افتادن بدون اشک ریختن

بوزمک به معنی حالت گریه گرفتن کودک

دولوخسونماق به معنی حالت گریه به خود گرفتن و متأثر شدن بزرگسال و پر شدن چشم از اشک میباشد

آغلاشماق به معنی گریه دسته جمعی و تعزیه بکار میرود

هونکورمک با صدای بلند گریه کردن و هونکولده مک گریه با هق هق میباشد

بوزلاماق با صدای بلند گریه کردن و از سرما لرزیدن میباشد

ایچین چالماق به معنی از فرط گریه کردن گریه بدون اشک و یا هق هق نمودن است

کؤیرلمک به معنی حالت گریه دست دادن است

در تورکی جغتائی اینگره مک و سینگره مک به معنی یواش یواش بطور مخفی گریه کردن و سیقتاماق به معنی زیاد گریه کردن و اوکورمک به معنی با صدای بلند گریه کردن میباشد همچنین ییغلاماق به معنی گریه کردن و اینجگیرمک به معنی با صدای نازک گریه کردن است

در تورکی اوسانماق به بیزار شدن و به تنگ آمدن می گویند بیقماق، بنزیکمک، بنزمک و چبیریمک هم با اختلاف جزئی همان معنی را میدهد مثلا: "چبیریمک بیشتر بمعنی زده شدن میباشد

تریشمک به معنی تکان خوردن

و ترپتمک به معنی تکان دادن است

ولی چالخالماق به معنی تکان دادن به منظور سوا کردن (مثلا سوا کردن کره از ماست)

قاتیشدیرماق به معنی مخلوط کردن

و قاریشدیرماق به معنی به هم زدن با قاشق و غیره میباشد

بیرقالماق به معنی تکان دادن و جنباندن

و سیلکه له مک به معنی تکان دادن درخت و یا لباس و فرش و امثال آن میباشد

در فارسی برای هیچکدام از این تعبیرات لغات مستقل به خصوصی وجود ندارد

ایمرنمک، قیماستماق که با اختلاف جزئی به معنی آرزو کردن و هوس کردن و نیسیگیل به معنی آرزوی برآورده نشده و حسرت میباشند، هیچکدام معادل مستقلی ندارند

برای دعوا کردن کلمات متعددی بکار می رود که هر کدام شکل و حالت ویژه ای را از دعوا بیان می کنند مانند:

دؤیوشمک: همدیگر را کتک زدن

وؤروشماق: همدیگر را زدن

ساواشماق: با یکدیگر دعوا و جنگ کردن و گلاویز شدن

دیدیشمک: دعوا همراه چنگ زدن همدیگر

چارپیشماق: دعوا و برخورد به یکدیگر، تصادم

دالاشماق: با هم دعوای لفظی کردن

دارتیشماق: با هم مشاجره کردن

چاخناشماق: با هم سر شاخ شدن

تؤتوشماق: دعوا با گرفتن همدیگر

بؤغوشماق: دعوا همراه بقه ی همدیگر را گرفتن و خفه کردن

تیپیشمک و تیپیکلشمک: دعوا همراه لگد انداختن به هم

خیرتدکلشمک یا فیرتیللاشماق: دعوا همراه گلوی همدیگر را گرفتن

سؤیوشمک: همدیگر را دشنام دادن

دیرشمک: دعوا کردن، رو در روی هم ایستادن

بؤغازلاشماق: گلوی همدیگر را گرفتن، رو در روی هم قرار گرفتن، دعوا کردن

چیرپیشماق: زدو خورد

دؤروشماق: مناقشه، مجادله، رو در رو شدن

سوپورلشمک: گلاویز شدن، در هم آویختن

همچنین برای اینکه بگویند فلانی از در وارد شد ، بسته به شخصیت فلانی و نحوه ی ورود و مناسب گوینده با وی کلمات زیر بکار میرود:

قای قای دان گلدی (از در آمد، بطور متعارف)

قای قای دان ایچری بویوردولار (از در تشریف فرما شدند)

قای قایدان گیردی (از در وارد شد، بطور خودمانی)

قای قای دان گنجدی (از در گذشت)

قای قای دان سوخولدو (از در خودش را چپاند)

قای قای دان تپیلدی (از در خودش را به زور تو کرد)

قای قای دان دوروتولدو (از در یواشکی تو آمد)

قای قای دان سوروشدو (از در سر خود آمد تو، بمعنی مجازی)

در تورکی به مرغابی «اوردک» گفته میشود ولی برای انواع آنها اسامی مختلف بکار میروند مثلاً «به اردک ماده» بورچین» و به اردک نر «سون» و همچنین «یاشیل باش» گفته میشود

در تورکی برای اسب و اغلب حیوانات اهلی در هر سنی نام مخصوص وجود دارد مثلاً «قولون» برای اسب نوزاد، «دای» به اسب دوساله و «یولان» به اسب پنج ساله گفته میشود

برای صداهای حیوانات مختلف و عناصر طبیعت لغات ویژه ای بکار میروند مانند:

سو شیریلتیسی: صدای شرشر آب

یارپاق خیشیلتیسی: صدای خش خش برگ

اوت پیچیلدیسی: صدای افتاد باد در سبزه

گؤی گورولتوسو: صدای غرش آسمان

قافلان نریلتیسی: صدای غرش پلنگ

قوش جیویلتیسی: صدای جیک جیک مرغ

اینکلرین بویورمه سی: صدای گاوها

شلاله نین چاغلاماسی: صدای ریزش آبشار

همچنین در برابر کلمه «کندن» فارسی شش کلمه تورکی موجود است که هر کدام در محل و مورد خاصی بکار می رود:

قازماق: بمعنی کندن زمین و امثال آن

یولماق: بمعنی کندن مو و کندن از ریشه

سویماق: بمعنی کندن پوست و راز هزنی

اویماق: بمعنی کندن چوب و امثال آن برای مثبت کاری و در آوردن چشم بکار میرود

قوپارماق: برای کندن جزئی از چیزی

قیرتماق: برای کندن و برداشتن جزئی از چیزی و نشگون گرفتن است

بطوریکه مشاهده میشود در فارسی به جای کلمات مستقل تقلید صداها بطور مکرر بکار میرود

در تورکی لغات مشابه (اومونیم) یا لغاتی همانند با معانی مختلف بسیار است که در شعر و ادبیات برای جناس و ایهام بکار میرود مانند: آت بمعنی اسب و آت بمعنی بیانداز

زبان تورکی از نظر لغات برای مفاهیم مجرد بسیار غنی است افعال تورکی بطوری که خواهیم دید از نظر نوع، وجه و زمان بسیار متنوع میباشد در نتیجه زبان تورکی برای بیان اندیشه بطور دقیق بسیار مناسب و رساست

نا گفته نماند با آنکه لغت باعث غنای زبان است ولی غنای زبان بیشتر تابع تحرک و قابلیت لغت سازی، افاده و بیان مفاهیم جدید و غنای مفاهیم مجرد همچنین تنوع بیان قدرت بیان تفرعات و تفاوتهای جزئی (نوائس) کلام است

با در نظر گرفتن مراتب فوق، نوایی و بسیاری از شرقشناسان معتقدند که نثر زبان تورکی برای بیان اندیشه و مفاهیم و موضوعات مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی و ... رساتر و مناسبتر از زبانهای دیگر است

مفاهیم و اندیشه هایی را که می توان در تورکی با یک جمله بیان نمود، جملات و شرح مفصلی را در آن زبان ایجاب می نماید

در زبان یا همان لهجه فارسی واژه های بسیط سخت گرفتار کمبود است زیرا بیشتر آنها به مرور زمانها رها گشته و از یاد رفته است و ازگان زبان فارسی برای مفاهیم علمی مجهز نیست، و مترجمان ایرانی بیش از همه این درد جانکاه را احساس می کنند و از این، عذاب می برندگاه میشود که انسان یک ساعت، یک روز و حتی یک هفته تمام درباره بهمان تعبیر زبان خارجی می اندیشد، مغز و اعصاب خود را می فرساید و از هم می گسلد و سر انجام نیز راه به جایی نمی برد و خوانندگان هم همواره از مترجمان و ترجمه های فارسی ناخشنودی می نمایند

افعال: افعال کار، حرکت و حالت را بیان می کند و عنصر اصلی جمله محسوب میشوند، بطوریکه بدون فعل، جمله نا تمام و معنی آن نا مفهوم خواهد بود

زبانهای اورال-آلتائی عموماً "و زبان و زبانهای تورکی خصوصاً" از نظر افعال غنی هستند بعلاوه دارای انواع، وجوه و زمانهای متعدد و متنوع اند بطوریکه ممکن است مفاهیم و مطالبی را با یک فعل بیان نمود در حالیکه برای بیان همان مفهوم و مطلب در زبانهای دیگر نیاز به جملات مشروح و مفصل می باشد مثلاً: "اوسانمیشام یعنی من از او به تنگ آمده و بیزار شده ام، خوشانلاشدیق یعنی ما با هم بطور خصوصی درد و دل کردیم، قوجاقلاشدیلاز یعنی همدیگر را در آغوش گرفتند و آغلاشدیلار یعنی با همدیگر گریه کردند، گنچیندیریر یعنی اعاشه را تامین می کند و...

افعال تورکی همه با قاعده اند جز فعل ناقص فراموش شده ی ایمک به معنی بودن که بجای فعل معین بکار میرود

در خاتمه این مقاله به جا خواهد بود اگر نگاهی مقایسه آمیز هر چند گذرا به چند و چون اصطلاحات و تعبیرات فعلی در زبانهای فارسی و تورکی بیاندازیم اصطلاحات و تعبیرات فعلی که از آن در اصطلاح لغت شناسی به ترکیبات ثابت فعلی زبان نیز نام برده میشود یکی از جالبترین و پرمایه ترین شقوق لغوی و ترکیبی زبان در ارانه معانی مجازی و تشبیهی است

زبان فارسی که در عین حال یکی از زبانهای ترکیبی است و کلمات آن انعطاف زیادی برای تشکیل اصطلاحات و تعبیرات فعلی دارد و از وسعت و شمول زبان تورکی در ایجاد و کاربرد این نوع ترکیبات برخوردار نیست در زبان تورکی تنها در رابطه با اعضای بدن : انسانی از نوع

باش(سر)، گوز(چشم)، آغیز(دهان)، آباق(پا) و امثال آن صداها اصطلاح و تعبیر وجود دارد اینک برای اینکه در این باب نموداری به دست داده باشیم به نقل تعدادی از اصطلاحات و تعبیرات فعلی رایج در زبان تورکی که از یادداشتهای آقای معفرزانه اقتباس شده در رابطه با کلمه دیل(زبان) بسنده می کنیم:

- 1- دیل - آغیز انله مک (دلدارى دادن، با لحن ملایم خواستار پوزش شدن، رفع رنجش و کدورت کردن)
- 2- دیل آچماق: زبان باز کردن (طفل)، درد خود را باز گفتن، التماس کردن و خواهش کردن
- 3- دیل بوغزا سالماق: وراجی کردن، پشت سر هم و بدون وقفه حرف زدن
- 4- دیل اویرتمک: چیزهای ندانسته را یاد دادن، حرف یاد (یکی) دادن، راه و چاه نشان دادن
- 5- دیل تاپماق: تفاهم پیدا کردن، جلب رضایت و اعتماد کردن، زبان مشترک یافتن
- 6- دیل تۆکمک: خواهش و تمنا کردن، اصرار ورزیدن
- 7- دیل چیخارماق: استهزا کردن، ادای یکی را در آوردن
- 8- دیل وئرمک: راضی شدن، قبول دادن *دیل وئرمه مک: امکان حرف زدن به دیگری را ندادن
- 9- دیلده تۆک بیتمک: از تکرار و بازگویی یک مطلب خسته شدن
- 10- دیلدن دوشمک: خسته شدن، از پا درآمدن
- 11- دیلدن سالماق: خسته و درمانده کردن، از پا انداختن
- 12- دیلدن دوشمه مک: ورد زبان بودن، از یاد نرفتن، فراموش نشدن
- 13- دیله گتیرمک: یکی را به حرف و داشتن، کاری را که در حق کسی انجام شده را به زبان راندن
- 14- دیله توتماق: با حرفهای شیرین یکی را رام کردن، بچه در حال گریه را با زبان ساکت کردن
- 15- دیله گتیرمه مک: یارای گفتن حرفی را نداشتن، حرفی را که گفتن آن ممکن است نگفتن
- 16- دیلی آغزینا سیغماساق: خود ستانی کردن، حرفهای گنده گنده گفتن
- 17- دیلی باتماق: نطقش خاموش شدن
- 18- دیله گلیمک: زبان و شکوه و شکایت گشودن، به ناله و فغان آمدن
- 19- دیلی قیسا اولماق: به خاطر داشتن قصور، جرأت حرف زدن نداشتن
- 20- دیلی دولاشماق: حرفها را اشتباه گفتن، در نتیجه اشتباه و یا دستپاچگی حرفها را قاطی کردن
- 21- دیلی دؤنمه مک: قادر به تلفظ و ادای صحیح حرف نبودن
- 22- دیلی توتولماق: توان و یارایی گفتن را از دست دادن، به هنگام سخن گفتن لکنت پیدا کردن
- 23- دیلینه وورماماق: از چشیدن چیزی امتناع کردن
- 24- دیلیندن دوشمه مک: مرتباً تکرار کردن، بطور مداوم بر زبان داندن
- 25- دیلیندن قاچیرماق: بی هوا و بی حساب از دهانش در رفتن
- 26- دیلینی باغلاماق: وادار سکوت کردن

27- دیلینه باغلاماق: به گردنش گذاشتن، حرف بر زبان کسی گذاردن

28- دیلینی بیلیمک (باشا دوشمک): از حال و مقالش با خبر شدن، راز دلش را حالی شدن

29- دیلینی قارنینا (دینمز ینرینه) قویماق: از زیاده گویی خودداری کردن، زبان در حلق فرو بردن

30- دیلینی دیشله مک: حرف را نا تمام گذاشتن، در وسط حرف تأمل کردن

31- دیلینی کسمک: به سکوت و داشتن، جلو حرف یکی را به زور گرفتن

32- دیلینی ساخلاماق: از گفتن چیز خاصی خودداری کردن، سکوت را ترجیح دادن

33- دیلینی ساخلاماق: در گفتن بی پروائی نشان دادن، حرف زیادی و بی موقع زدن

34- دیلر ازبری اولماق: به دلیل خوشنامی و به زبانها افتادن، ذکر خیر داشتن

35- دیلرده گزمک (دولاشماق): همچون امثال در زبانها گشتن

36- دیلره دوشمک: ورد زبان خاص و عام شدن، سر زبانها افتادن، شایع شدن

نتیجه:

زبان تورکی یکی از با قاعده ترین زبانهاست و از نظر لغات، مخصوصاً افعال بسیار غنی است وجود قانون هم آهنگی اصوات، کلمات تورکی را موزون و آهنگدار نموده و به آنها نظم و ترتیب خاص داده استدر تورکی علاوه بر اسامی ذات لغات زیادی برای مفاهیم مجرد وجود داردبعلاوه لغات مترادفی با اختلاف جزئی در معنی موجود است که میدان قلمفرسانی را وسیعتر و قلم نویسنده را تیزتر و دقیق تر میسازد

افعال تورکی به قدری وسیع و متنوع اند که در کمتر زبانی نظیر آنها را میتوان یافتگاهی با یک فعل تورکی اندیشه و مفهومی را میتوان بیان نمود که در زبان فارسی و زبانهای دیگر نیاز به جمله و یا جملاتی پیدا می کنداز طرفی وجود پسوندهای سازنده سبب شده که قابلیت لغت سازی برای بیان مفاهیم مختلف و تعبيرات فعلی بسیار زیاد است

نحو و ترکیب کلام در تورکی با زبانهای هند و اروپائی متفاوت است در تورکی عنصر اصلی جمله یعنی فعل اصلی در آخر جمله قرار دارد زبانهای هند و اروپائی عنصر اصلی جمله در ابتدا قرار می گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط بشکل حلقه های زنجیر به یکدیگر مربوط میشوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند سازمان جمله ناقص میشود، ولی در تورکی ترتیب عناصر جمله کاملاً بر عکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود و قسمت اصلی در آخر قرار گیرد و از همینجاست که هر نویسنده و یا گوینده تورک زبان نمایان میشود

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>